

تقریری از
فلسفه های اگزیستانس

دکتر علی اصغر مصلح

شناسنامه پژوهشی اثر

عنوان طرح نامه : فلسفه های اگزیستانس

پژوهشکده : حکمت و دین پژوهی ، گروه علمی: فلسفه، محقق : دکتر علی اصغر مصلح،

ناظر علمی: گروه فلسفه ، ارزیابان علمی: جناب آقایان عبدالحسین خسروپناه، حمید پارسائیا، محمدتقی سبحانی

موضوع اصلی: فلسفه های اگزیستانس

مدت انجام تحقیق: از سال ۷۹ تا سال ۸۲



تقریری از فلسفه‌های اگزیستانس

دکتر علی‌اصغر مصلح

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

طراح جلد: بیژن صیفوری

چاپ دوم: ۱۳۸۷

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۸۳۵۲-۳۷-۲

لیتوگرافی: چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات

مصلح، علی‌اصغر، ۱۳۴۱-

تقریری از فلسفه‌های اگزیستانس / علی‌اصغر مصلح. —

تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴، ۲۸۶ ص.

ISBN: 964-8352-37-2 ریا ۳۰۰۰۰

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا

کتابخانه: : ص ۳۷۷ - ۲۸۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. اگزیستانسیالیسم، ۲. هستی‌شناسی.

الف. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

ب. عنوان.

۷ ت ۵۶ م ۸۱۹ / B ۱۴۳/۷۸

کتابخانه ملی ایران ۱۱۱۰۶-۸۴ م

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فهرست

پیشگفتار	۱۱
سخن نخست	۱۳
مقدمه	۱۵
عنوان فلسفه‌های اگزیستانس	۱۵
لزوم داشتن موضع و مبنا در تقریر اندیشه‌ها	۱۶
تأمل در مورد فلسفه‌های اگزیستانس با التفات به مشرب عرفان	۱۹
سیر بحث	۲۱
بخش اول	۲۳
تمهید تاریخی	۲۳
دوره جدید	۲۳
دکارت و بیکن	۲۳
فلسفه‌های اصالت تجربه (آمپریسم)	۲۵
ژان ژاک روسو	۲۶
ایمانوئل کانت	۲۷
نهضت رمانتیک و ایده‌الیسم آلمان	۲۸
هگل	۲۹

۳۳	کی یرکه گور
۳۳	تمهید
۳۴	شرح احوال
۳۹	آثار
۴۰	شرح آراء
۴۳	متافیزیک و مسیحیت
۴۵	نقد متافیزیک هگلی
۴۷	نقد مسیحیت
۵۰	مراحل سیر اگزیستانس
۵۰	۱. مرحله استحسانی
۵۱	۲. مرحله اخلاقی
۵۲	۳. مرحله ایمان
۵۶	نظری مجدد به کی یرکه گور
۶۱	نیچه
۶۱	نظری به احوال نیچه
۶۷	نگاه اقبال به نیچه
۷۱	چگونه به نیچه راه یابیم؟
۷۸	نیچه به چه دعوت می‌کند؟
۸۲	انسان برتر
۸۹	خواست قدرت
۹۳	تحلیلی از خواست قدرت نیچه
۹۷	هوسرل
۹۸	پدیدارشناسی هوسرل
۱۱۴	پدیدارشناسی در هیدگر

۱۱۹	بخش دوم
۱۱۹	مدخل
۱۲۳	سرچشمه‌های اندیشه اگزیستانس
۱۲۵	برخی مشترکات
۱۲۷	وضع کنونی فلسفه‌های اگزیستانس
۱۲۹	یاسپرس
۱۲۹	شرح احوال
۱۳۷	نظر اجمالی
۱۳۸	فلسفه
۱۴۱	تمهید
۱۴۲	شناخت علمی
۱۴۵	اگزیستانس
۱۴۹	نسبت و ارتباط
۱۵۱	امور احاطی
۱۵۲	چهار ظهور حقیقت احاطی انسان
۱۵۴	امر متعالی
۱۵۶	رمز
۱۵۸	تاریخ
۱۶۰	ملاحظات پایانی
۱۶۳	سارتر
۱۶۳	شرح احوال
۱۷۳	آرای سارتر
۱۷۴	وجودشناسی پدیدار شناسانه
۱۷۶	وجود فی نفسه
۱۷۷	وجود لئفسه

۱۷۸	وجود لغیره
۱۸۰	خدا
۱۸۴	انکار صفات و شؤون خدایی
۱۸۹	انسان
۱۹۳	جهان
۱۹۴	دریافت‌های ملبس
۱۹۷	نکته پایانی
۱۹۹	مارسل
۱۹۹	شرح احوال
۲۰۶	تمهید
۲۰۷	متافیزیک به منزله «تأمل در راز»
۲۱۱	بودن و داشتن
۲۱۴	اندیشه اولیه، اندیشه ثانویه
۲۱۵	فلسفه عینی و ملموس
۲۱۸	نسبت من - تو
۲۲۱	وفا
۲۲۲	امید
۲۲۳	عشق
۲۲۴	راز وجود
۲۲۵	ملاحظات در اندیشه مارسل
۲۳۱	هیدگر
۲۳۱	شرح احوال و آثار
۲۴۱	تمهید
۲۴۲	تذکراتی برای ما
۲۴۵	هیدگر فیلسوف «وجود»

۲۴۹	مفهوم ماقبل وجودشناسی وجود
۲۵۰	فهم وجودشناسی
۲۵۴	مبدء مناسب برای «وجودشناسی بنیادی»
۲۵۸	تحلیل پدیدار شناسانه دازین
۲۵۹	مبالات و پروا (Sorge)
۲۶۰	در عالم بودن (In - der - Welt - sein)
۲۶۰	زمانمندی (Zeitlichkeit)
۲۶۵	زبان
۲۶۸	معنای بی خانمانی و اومانیسیم
۲۷۰	تفکر در انتظار
۲۷۱	در راه تفکر
۲۷۷	کتابشناسی

پیشگفتار

اگزیستانسیالیسم و پوزیتیویسم دو مکتب مهم فلسفی در دوران معاصر مغرب زمین است که به ترتیب، توسط کی‌یرکگارد فیلسوف و متکلم دانمارکی و اگوست کنت فیلسوف فرانسوی ابداع شدند. این دو مکتب و جریان فلسفی از جهت موضوع، روش و رویکرد تفاوت‌های فراوانی دارند به همین دلیل، بر مراکز پژوهشی لازم است تا به تبیین علمی و تحلیل فنی این مکاتب بپردازند و ارتباط این گونه مکاتب فلسفی را با جریان‌های فلسفی و عرفانی اسلامی مقایسه نمایند.

فیلسوفان اگزیستانس به دغدغه‌های انسانی و اوضاع حدی و مرزی مانند رنج از بی‌عدالتی، آرزوی جاودانگی، امید، عشق، ایمان، محبت، یأس، بیهودگی جهان، آزادی و سایر مباحث وجودی انسان پرداخته و نوعی نزدیکی و پیوند با مخاطبان خود را برقرار ساخته‌اند. بنابراین درباره اهمیت و ارزش موضوع اثر می‌توان به دغدغه‌های انسانی فلاسفه اگزیستانس اشاره کرد.

ویژگی منحصر به فرد این اثر با آثار مشابه فراوان در زمینه فلسفه‌ها و فیلسوفان اگزیستانس علاوه بر تبیین و توضیح دقیق و منصفانه از آراء فلاسفه مکتب اگزیستانسیالیسم، تطبیق و مقایسه فی‌الجمله آن‌ها با مباحث فلسفی و عرفان اسلامی است.

هدف از تألیف این اثر، ارائه متنی مناسب با درس فلسفه‌های اگزیستانس در

مجموعه فلسفه‌های معاصر است به همین غرض، فیلسوفانی مانند کی‌یرکگارد، نیچه، هوسرل، یاسپرس، سارتر، مارسل و هایدگر در این نگاشته مورد بررسی قرار گرفته‌اند و شرح احوال و آثار و رهیافت و روش و دیدگاه‌های فلسفی و انسان شناختی آن‌ها بیان گردیده است.

طرح نامه فلسفه‌های اگزیستانس در اواخر سال ۱۳۷۹ در شورای علمی گروه فلسفه به تصویب رسید و پس از ارزیابی توسط پژوهشگران محترم حجج اسلام آقایان محمدتقی سبحانی، حمید پارسانیا و عبدالحسین خسروپناه و اصلاحات نهایی توسط مؤلف محترم به شورای آثار ارسال گردید.

در پایان از همه اعضای شورای علمی گروه فلسفه و ارزیابان به ویژه مؤلف که با سعه صدر در تولید و بالندگی اثر تلاش کردند، سپاسگزاریم و از اساتید و صاحب‌نظران در خواست درخواست ارسال نظرات و پیشنهادهای سازنده را داریم.

گروه فلسفه

پژوهشکده حکمت و دین پژوهی

سخن نخست

صورت اولیه مطالب این مجموعه، یادداشت‌های نگارنده برای تدریس «فلسفه‌های اگزیستانس» برای دانشجویان فلسفه در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ در دانشگاه علامه طباطبائی بوده است. از مجموعه‌ای که اینگونه فراهم آمده باشد انتظار می‌رود که مطالبش روان‌تر و برای آموزش و انتقال مفاهیم مناسب‌تر باشد. التزام نگارنده برای حفظ همین ویژگی باعث شد که هنگام تحریر مجدد نیز سعی کند جنبه روایتی و درس‌گفتاری مطالب حفظ شود. لذا در بیان مطالب از استناد عبارت به عبارت، به منابع و مآخذ پرهیز شد. در عوض منابع هر فصل به‌طور جدا در پایان معرفی شده‌اند تا علاقمندان به تحقیق و تدقیق بیش‌تر به آن منابع مراجعه نمایند. مطالب کتاب برای خوانندگانی مناسب‌تر می‌نماید که ضمن آشنایی با تاریخ تفکر غرب، با حکمت و عرفان اسلامی هم‌اُنس و آشنایی داشته باشند.

مقدمه

عنوان فلسفه‌های اگزیستانس

تا آنجا که به خود فلاسفه مربوط می‌شود، اغلب راضی نمی‌شوند که در ذیل عنوانی خاص قرار گیرند. از آن گذشته باید زمانی از رواج اندیشه فیلسوف بگذرد تا فیلسوف به گذشته تعلق گیرد و بتوان به راحتی عنوانی بر او اطلاق کرد. فیلسوفانی که در این کتاب مورد بحث قرار گرفته‌اند، علاوه بر این که هنوز کاملاً به گذشته تعلق نگرفته‌اند، به شدت مخالف نظام سازی بوده‌اند و جز سارتر بقیه از اطلاق عنوان‌هایی چون اگزیستانسیالیست بر خود مخالف بوده‌اند. علی‌رغم این مخالفت بسیاری از مورخان و شارحان تفکر معاصر به راحتی عنوان اگزیستانسیالیسم را برای شش نماینده اصلی آن، یعنی کی‌یرکه‌گور، نیچه، یاسپرس، مارسل، سارتر و هیدگر به کار برده‌اند. با گذشت زمان و تأملات جدیدتری که به خصوص درباره نیچه و هیدگر صورت گرفته، جنبه‌های شناخته شده و لایه‌های درونی اندیشه آن‌ها بر متفکران آشکار شده است، عدم تناسب و نارسایی عنوان‌هایی مثل اگزیستانسیالیسم برای این متفکران مشخص شده است.

علاوه بر تفاوت‌هایی در تلقی و رویکرد، بین این گروه از فلاسفه تفاوت‌های بارزی در میزان عمق و اصالت اندیشه آن‌ها وجود دارد. مقایسه‌ای بین میزان استندهایی که در سال‌های اخیر در دانشگاه‌های اروپایی و آمریکایی و دیگر

دانشگاه‌ها به هیدگر و نیچه می‌شود و نقد و تطبیق و شرح‌هایی که در مورد این دو متفکر صورت گرفته است، نشان دهنده تفاوت سطح آن‌ها با امثال یاسپرس، مارسل و سارتر است. با این‌که فاصله چندانی از این متفکران نگرفته‌ایم، شاید بتوان گفت که نیچه و هیدگر بدون عنوان خاصی، با نام خودشان شأنی شبیه افلاطون، کانت و هگل در تاریخ تفکر پیدا کرده‌اند. در این کتاب نیز طبیعی است که سهم این دو متفکر در تقریر اندیشه شان بیش از بقیه باشد.

اما از جهت عنوان کتاب چون مقصود ارائه تصویری از بحث انسان در برخی فیلسوفان معاصر بود که بیش از بقیه احوال و شئون انسان را مورد تأمل قرار داده‌اند و کوشیده‌اند مقام انسان را در عالم معاصر تبیین کنند، اطلاق عنوانی واحد لازم می‌نمود و لذا در اینجا نیز به تبعیت از سنتی که از گروه فلسفه دانشگاه تهران شروع شده است، عنوان فلسفه‌های اگزیستانس برگزیده شد، هر چند به عدم تناسب کامل آن با اندیشه‌های فیلسوفان مورد بحث اذعان داریم. رسایی این عنوان برای مباحث این کتاب از آن جهت است که همه متفکران مورد بحث به نحوی به انسان و نسبت او با جهان، دیگران، امر متعالی و وجود پرداخته‌اند.

لزوم داشتن موضع و مبنا در تقریر اندیشه‌ها

کسانی که با تاریخ فلسفه و روایت اندیشه‌ها سروکار دارند، می‌دانند که نمی‌توان اندیشه متفکری را بدون موضع و مبنا روایت کرد. بدون موضع نمی‌توان اندیشه فیلسوفی را فهمید و وارد عالم او شد. انسان بدون موضع حتی به عالم نمی‌تواند بنگرد. این اصل، با اصل کوشش برای فهم مقاصد و عالم فیلسوف منافات ندارد. یک اندیشه وقتی عمیق و اصیل فهمیده می‌شود که بین «من» و فیلسوف گفت‌وگویی صمیمانه صورت پذیرد. در گفت‌وگوی صمیمانه که به منظور فهم مقصود مخاطب صورت می‌گیرد، من می‌تواند موضع موقتی خود را کنار بگذارد و در عالم مخاطب وارد شود یا با حفظ موضع خود، به

مشارکت در اندیشه مخاطب بپردازد. فهم و روایت اندیشه متفکران هم جز این نیست؛ به خصوص متفکرانی مثل سارتر و مارسل و یاسپرس که تفکر آن‌ها بیش از همه حاصل احوال و گزارش دریافت‌هایشان است.

مقصود از این عبارت آن نیست که نمی‌توان کتاب‌های این فلاسفه یا کتاب‌هایی را که درباره این فلاسفه است، ترجمه کرد یا کتابی براساس آثار آن‌ها اقتباس نمود. مقصود روایت دست اول و پس از تماس مستقیم با اندیشه فیلسوف است. رسیدن به این مرحله بسیار دشوار است و چه بسیار که سعی می‌کنند، ولی بدین مقصود نایل نمی‌آیند. با توجه به صعوبت چنین راهی است که برخی از صاحب‌نظران معتقدند که ما هنوز به مرحله تدوین و تألیف دست اول فلسفه‌های غرب نرسیده‌ایم؛ مناسب‌تر آن است که فعلاً همان کار ترجمه، اقتباس را ادامه دهیم. این نظر شواهد و دلایل قابل توجهی هم دارد، اما نباید مانع کوشش نوآم با حزم و احتیاط و تواضع، برای ورود به عالم تفکر معاصر شود.

عصر ما که به علت اوضاع و اقتضانات خاصش عصر ارتباطات نامیده شده، عصر ارتباطات وسیع فکری، فرهنگی، علمی و فناورانه است. گویی انسان این عصر می‌خواهد هر آنچه که تا کنون در طول تاریخ در اقوام و ملل مختلف به ظهور رسیده مجدداً به تجربه آورد و لباس اندیشه و تفکر بر آن‌ها بپوشاند. انسان معاصر تمامی آنچه هموعانش در طول تاریخ داشته‌اند، موجودی خود تصور می‌کند. کوشش لازم و ناگزیر صاحبان فرهنگ‌های مختلف، نگرستن به دیگران از منظر خویش و کوشش دایمی برای فهم و نقد آن‌هاست. تنها در مسیر چنین مشارکتی است که می‌توان انتظار باروری تفکر و فرهنگ خویش داشت. در این نوشته مختصر کوشش شده است که اصول اندیشه این متفکران درباره انسان تقریر شود. فلسفه‌های اگزیستانس را می‌توان پاسخ‌هایی به پرسش مقدّر در عالم معاصر، یعنی «چیستی و شأن و مقام انسان» تلقی کرد. در پی تحول فکر و حیات و فرهنگ و علم و مناسبات اجتماعی در تاریخ جدید و

پس از بحران‌هایی که در قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم به وجود آمد، پرسش از انسان در کانون مباحث فلسفی قرار گرفت. فلسفه‌های اگزیستانس نمونه‌ای از انحای کوشش برای فهم انسان معاصر و امکانات وی است. قطعاً از جمله علل شدت گرفتن توجه به انسان بحران‌های اجتماعی، به خصوص بروز تبعات ناگوار و نامتناسب تکنولوژی در قرن بیستم است. انسان قرن بیستم در ضمن دو جنگ جهانی و پس از آن، همواره خود را با پرسش‌های بزرگی روبه‌رو دیده است؛ به سرنوشت خود، خطرهای بزرگی که او را تهدید می‌کند و به آینده خود، اندیشیده است. ناآرامی و نگرانی انسان‌گاه او را به تفکر درباره خویشتن خویش کشانده است؛ تفکر درباره فرد انسانی و احوال او و امید و عشق و ترس و دلهره‌هایش، همان زمینه‌ای است که منشأ نفوذ اندیشه‌های فیلسوفان اگزیستانس در قرن بیستم شده است، ولی فلسفه‌های اگزیستانس را نمی‌توان تنها واکنشی نسبت به این بحران‌ها قلمداد کرد. فیلسوفان اگزیستانس از حد تحلیل و تبیین علت بحران در حیات اجتماعی انسان معاصر فراتر رفته، کوشش نموده‌اند، به امکانات و ساحات مورد غفلت واقع شده انسان راه یابند، اما بالاخره تفکر آن‌ها نمود کوشش انسان معاصر برای فهم خویشتن است.

از جمله دستاوردهای تأمل در فیلسوفان اگزیستانس آن است که با نگاه و تلقی انسان معاصر از خویش بیش‌تر آشنا می‌شویم. باز توجه کنیم که فهم عمیق آن‌ها همدلی و هم سخنی می‌خواهد؛ در ضمن این همدلی و هم سخنی درمی‌یابیم که در نگاه و تلقی این انسان از خویش نیز تنوع و تفاوت‌های جدی وجود دارد و علی‌رغم هم عصر بودن باز هم این فلاسفه عوالم متفاوت دارند و به اقتضای عوالم مختلف اندیشه‌های مختلف اظهار داشته‌اند و لذا مخاطب این فلاسفه با برخی از آن‌ها بیش‌تر احساس ملائمت می‌کند و با برخی کم‌تر. آنچه که این سیر را نشاط‌آورتر می‌کند و باعث ثمرات بیش‌تری می‌شود، توجه به این نکته است که تمامی این اندیشه‌ها نتیجه سیر در عالم انسانی است. عالمی وسیع‌تر و متنوع‌تر و عمیق‌تر از عالم خارج. از نگاه سارتر به خویش و جهان، تا

نگاه مارسل فاصله و فرق بسیار است، ولی بالاخره اندیشه هر کدام از آنها نحوه‌ای ظهور و بروز محتوای وجود و حقیقت انسان است. در سنت عرفان اسلامی انسان را «کون جامع» نامیده‌اند؛ یعنی انسان مستعد احراز مقام مظهریت همه اسماء و صفات است. به تعبیر دیگر او مظهر اسم جامع است، راه ظهور تمامی امکانات بر او گشوده است. پس در همین ابتدا از روایت «اگزیستانس» و «خویش» به انحای گوناگون، نباید شگفت زده شد. تفکرها و بحث‌هایی که درباره انسان در فلسفه معاصر صورت گرفته، زمینه مناسبی برای فهم عمیق‌تر معارف موجود در حکمت‌های اسلامی و شرقی هم فراهم می‌آورد.

تأمل در مورد فلسفه‌های اگزیستانس با التفات به مشرب عرفان

بدون تردید فلسفه‌های اگزیستانس و مباحث انسان‌شناسی دوره معاصر برخاسته از تاریخ دوره جدید و معاصر غرب است و هرگونه کوشش برای فهم و نقد این فلسفه‌ها بدون التفات به اوضاع و اقتضائات تاریخی آن، مقرون به صواب نخواهد بود. بستر اصلی پیدایش فلسفه‌های اگزیستانس تاریخ غرب است، لذا روایت سارتر از انسان و نسبت او به جهان می‌تواند روایت دست اولی از تجارب انسانی بسیاری از معاصران وی تلقی شود که موطنشان فکر و فرهنگ جدید است. به تعبیر دیگر جان اروپایی در دوره معاصر تجاربی دارد که یکی از انحای آن همان است که در فلسفه سارتر به بیان آمده است. بی‌توجهی به این نکته منشأ خلط و اشتباه‌های فاحش می‌شود. شبیه آنچه در مورد سارتر در ایران و دیگر کشورهای شرقی رخ داده و می‌دهد، تعهد و آزادی خواهی و مبارزه جویی سارتر سال‌ها الگو و نمونه‌ای الهام بخش برای بسیاری از روشنفکران بوده است؛ در حالی که مبانی نظری و رویکرد و تلقی سارتر نسبت به عالم و جهان و دیگر انسان‌ها هیچ سنخیتی با مبانی شرقی و اسلامی و ملی مثلاً ایرانیان نداشته است. روشنفکر و متفکر شرقی تا هنگامی که ریشه‌ای در خاک و وطن معنوی خود دارد، نمی‌تواند وارد عالم سارتر شود.

اما دعوت به تأمل درباره فلسفه‌های اگزیستانس با التفات به مشرب عرفان اسلامی معنای دیگری دارد. فلسفه‌های اگزیستانس فلسفه احوال و عوالم انسانی است. عرفان نیز عمدتاً ناظر بر احوال و سیر و سلوک انسان است. هر چند در فلسفه‌های معاصر هیچ بدیل و نظیری برای عرفان اسلامی نمی‌توان یافت، چون گفتیم که این فلسفه‌ها حاصل تجارب انسان معاصر است، ولی کسی که آشنا با عالم عارفان است مناظر و ساحات معرفی شده از انسان در دوره معاصر را بهتر خواهد فهمید. از این منظر انحای بسط و ظهور امکانات انسان به خوبی در یافته می‌شود و به دیگر امکانات انسان نیز التفات می‌شود. باید توجه نمود که روایت‌های عارفان اسلامی از انسان نیز متناسب با احوال سالکان در آن سنت است. این سالکان با اعتقاد به وجود حقیقت مطلق و توحید و حقیقت انسان کامل در صدد تصفیه جان خویش بر آمده‌اند. معارف عظیم و گسترده‌ای که فراهم آمده، حاصل و گزارش همین گونه سیرهای معنوی است. آنچه در اینجا بدان دعوت می‌شود، کوشش برای مؤانست با عرفاست تا با زمینه‌هایی که در فرهنگ و زبان و خاطره ماست، با نمونه‌هایی از سیر انفسی و مکاشفات انسان معاصر آشنا شویم. شاید با این تمهید فهم انسان معاصر غربی از «خویشتن» را بهتر دریابیم. به تعبیری همه عارفان همت اصلی خود را مصروف سیر انفسی و معرفت نفس می‌کردند و در همین مسیر به مکاشفات و دریافت‌هایی نایل می‌آمدند. راه مکاشفه و دریافت هیچ‌گاه بر انسان بسته نمی‌شود. آنچه تغییر می‌کند، نحوه مکاشفات و محتوای آن‌هاست. اگر از مکاشفه و شهود معنایی عام‌تر مراد کنیم، فیلسوف اگزیستانس هم اهل مکاشفه است؛ مکاشفه‌ای که در سیر انفسی در ذیل شریعت و دینی خاص صورت نگرفته است. باز به تعبیر دیگر اگر قرائت نفس نیز نحوه‌ای تفکر است و متفکر در ضمن اندیشیدن قرائت نفس خویش می‌کند، فیلسوفان اگزیستانس از قاریان نفس انسان معاصرند.

کوششی که در این نوشته مختصر صورت گرفته، ابتدا تقریری روان از این فلسفه‌ها براساس وضع تاریخی و تجارب فیلسوف است که البته با توجه به

گسترده‌گی این فلسفه‌ها ناچار باید به گزارش اجمالی و تکیه بر دریافت‌های اصلی این متفکران اکتفا شود. پس از تقریر این فلسفه‌ها اگر برای روشن‌تر شدن دریافت‌های آن‌ها می‌توان از مفاهیم و بیان‌های مانوس‌تر با اندیشه ما بهره گرفت، برای آن نیز کوشش صورت می‌گیرد و احیاناً به نقد و تطبیق مبادرت می‌شود. شاید از این طریق زمینه‌ای برای گفت‌وگوهای ثمر بخش‌تر فراهم گردد.

سیر بحث

به منظور تمهید مقدمات تاریخی و بیان زمینه‌های تکوین فیلسوفان اگزیستانس در بخش تمهید تاریخی چهار فصل گشوده شده است؛ ابتدا از سیر بحث انسان در نظام‌های متافیزیکی دکارت تا قرن نوزدهم گزارشی مختصر داده شده، سپس اندیشه سه متفکر که بیش‌ترین تأثیر را در حوزه اگزیستانس داشته‌اند، به نحو مختصر تقریر شده است.

پس از بیان نکاتی در مدخل، به چهار نماینده اصلی حوزه اگزیستانس پرداخته شده است، اما بیان مجدد شرح احوال این فیلسوفان، علی‌رغم در دسترس بودن کتاب‌های دیگر امری ناگزیر بود. به علت تأثیر اساسی حوادث و اوضاع و تجارب زندگی فیلسوفان اگزیستانس در آراء و اندیشه‌شان، آن مقدار از احوال زندگی که برای تقریر اندیشه آن‌ها لازم بود، مجدداً شرح شد.